

گشودگی مسیر گفت‌وگو با ادیان در واقعه مباحله

پژوهشگر تاریخ اسلام با تاکید بر اینکه مباحله مسیر را برای گفت‌وگو با غیرمسلمین باز کرده است گفت:



پژوهشگر تاریخ اسلام با تاکید بر اینکه مباحله مسیر را برای گفت‌وگو با غیرمسلمین باز کرده است گفت: الان در جمهوری اسلامی گفت‌وگو بین پیروان ادیان مختلف برقرار است و گفت‌وگوهای بین ادیانی از جمله با دانشمندان مختلف در آلمان، روسیه، ایتالیا و کشورهای دیگر برقرار است و این گفت‌وگوها می‌تواند حقانیت پیامبر(ص) و اسلام را برای دیگران روشن کند. عباس جعفری فراهانی‌مباحله روز اثبات حقانیت اسلام در برابر مسیحیان نجران است؛ واقعه‌ای که در آیاتی از سوره آل عمران از جمله آیه ۶۱ این سوره منعکس شده است. خبرنگار ایکنایا برای تبیین چرایی و چگونگی این ماجرا، دلالت‌های تفسیری آیه مباحله و کارکرد آن برای امروز با حجت‌الاسلام عباس جعفری فراهانی؛ پژوهشگر تاریخ اسلام و تشیع گفت‌وگو کرده است که در ادامه آن را می‌خوانیم؛

ایکنایا - مباحله چرا و چگونه اتفاق افتاد و دلیل اینکه پیامبر(ص) این شیوه را انتخاب کردند چه بود؟

پیامبر(ص) از طرق و روش‌های گوناگونی برای پیشبرد و پیشرفت اسلام استفاده کرد که در قرآن کریم و روایات نقل شده است. مثلا تکیه بر بیداری وجدان و آگاهی درونی مردم، توجه آنان به توحید، خداپرستی و قیامت و آخرت و تکیه بر اصول اخلاقی و افزایش درک و معرفت و شناخت که در آیات و سیره پیامبر اکرم(ص) مورد تاکید است.

یکی از روش‌های دیگری که پیامبر(ص) در این زمینه مورد استفاده قرار دادند و در آیات و روایات وجود دارد احتجاج و گفت‌وگو با مخالفان، کفار و مشرکان و پیروان ادیان دیگر است که یکی از این نمونه‌ها، مباحله است. پیامبر اکرم(ص) از سال نهم هجرت هیئت‌هایی را به سوی قبائل و کشورهای مختلف اعزام کرد و به آنان پیام دعوت به اسلام داد تا به مدینه بیایند و حسن نیت پیامبر(ص) را ببینند لذا این سال به عام الوفود معروف شده است. یکی از این هیئت‌های اعزامی به سمت مسیحیان نجران رفت و پیامبر(ص) فرمودند که دستور پذیرش دین اسلام را به آنان ابلاغ کنید ولی مسیحیان این دعوت را نپذیرفتند و گفتند که ما باید خودمان به مدینه بیاییم و از نزدیک بررسی کنیم و سرانجام این گونه شد ولی چون دعوت پیامبر(ص) را نپذیرفتند لذا کار به مباحله کشید.

مباحله در آن زمان رسم بوده است. یعنی اگر دو گروه نمی‌توانستند در مسئله‌ای به نتیجه برسند به این کار اقدام می‌کردند؛ مباحله به معنای لعن کردن است و مباحله با پیامبر(ص) هم بعد از جنگ تبوک رخ داد. در روایات اهل بیت(ع) هم مباحله مطرح شده است. برخی ائمه(ع) به یاران خود این روش را تعلیم داده‌اند؛ مثلا ابومسور از یاران امام صادق(ع) به حضرت عرض کرد: من مخالفان را به آیه «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول...» (سوره نساء/۵۹) و «انما ولیکم الله...» (سوره مائده/۵۵)، «قل لا اسئلكم علیه اجرا و...» (سوره انعام/۹۰) احتجاج می‌کنم و نمی‌پذیرند و امام صادق(ع) مباحله را به او آموختند. امام به ایشان فرمودند: سه روز نفس خود را اصلاح کن؛ ابتدا غسل کن و و روزه بگیر و به صحرا برو و دست خود را به آسمان بلند کن و این دعا را بخوان: «اللهم ربّ السموات السبع و ربّ الارضین السبع عالم الغیب والشهادة...»؛ و بعد دعا کن و اگر تسلیم شدند که خوب است و اگر نه آنان را نفرین کن و از خدا بخواه خدایا هر چه خود سزا می‌دانی بر آنان وارد کن. (اصول الکافی ج ۲ ص ۵۱۴).

اما برگردیم به داستان مباحله مسیحیان نجران با پیامبر(ص)؛ که مرحوم شیخ مفید این داستان را پس از فتح مکه و فرستادن نامه از سوی پیامبر(ص) به مسیحیان نجران می‌داند و سید ابن طاووس هم این ماجرا را بعد از ارسال نامه پیامبر(ص) به کسری و قیصر در سال نهم هجری می‌داند. تفصیل ماجرا این است که پیامبر(ص) نامه‌ای نوشتند و آن را به نجران فرستادند و پیام اصلی هم دعوت از اسقف‌های نجران و مردم مسیحی منطقه برای پذیرش اسلام بود و فرمودند: «اگر نپذیرند ما باید راه دیگری را برویم»؛ اسقف‌ها بعد از مشورت تصمیم گرفتند که برای آشنایی بیشتر با اسلام به مدینه بیایند و وقتی به مدینه آمدند، چند روز در آنجا بودند و سؤالاتی هم پرسیدند از جمله دیدگاه اسلام در مورد حضرت مسیح(ع) که رسول خدا(ص) طبق آیات قرآن فرمودند: مسیح بنده‌ای از بندگان خداست... و آیه ۵۹ آل عمران را قرائت کردند ولی آنان نپذیرفتند زیرا معتقد بودند که عیسی(ع) پسر خداست.

در این مقطع آیاتی از جمله آیه ۶۱ سوره مائده نازل شد که به مباحله معروف است؛ معنای آیه آن است که ای پیامبر به مسیحیان بگو اگر برای مباحله آماده هستید پسرانتان را بیاورید و ما هم پسرانمان را می‌آوریم، زنان و انفس خود را بیاورید و ما هم می‌آوریم و بعد لعنت خدا را بر دروغ‌گویان طلب خواهیم کرد. فردای آن روز دو گروه به منطقه‌ای آمدند که الان مسجد مباحله

است. وقتی بزرگان نجران پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) را دیدند خیلی ترسیدند و وحشت کردند زیرا حضرت محمد(ص) فقط حضرت علی(ع)، حضرت زهرا(س) و امام حسن و امام حسین(ع) را همراه آورده بودند و هیچ یک از انصار و مهاجرین همراه پیامبر(ص) نبودند. لذا از مباحله دست برداشتند و حاضر شدند جزیه بدهند و در حجاز بمانند و در نهایت منجر به انجام تفاهم نامه میان آنان با پیامبر(ص) شد. (الارشاد ج ۲ ص ۲۲۰).

ایکنا - پیام و کارکردهای واقعه مباحله برای زندگی امروز ما چیست؟

از جمله کارکردهای مباحله اثبات حقانیت اسلام در برابر مسیحیت است. پیامبر اسلام(ص) از یک اعتقاد و ایمان واقعی به خدا و غیب برخوردار بودند و براساس این ایمان و باور دست به مباحله زدند در حالی که همه افراد حاضر به انجام چنین کاری نیستند. ایشان خانواده و عزیزان خود را هم به میدان مباحله آوردند که نشانه یقین جدی آن حضرت است. ایشان طبق این آیه، حضرت علی(ع) را نفس خود برشمرده است. مراد از «انفسنا» خود پیامبر(ص) نیست و حضرت علی(ع) است یعنی کسی که همانند رسول خدا(ص) در عزت و کرامت و اوج ایمان است.

دستاورد دیگر اثبات جانبداری اسلام از منطق و صلح و زندگی مسالمت آمیز است. این ماجرا نشان می دهد رسول خدا(ص) در برخورد با قدرت های مخالف خود ابتدا تلاش می کرد با منطق و احتجاج با آنان گفت و گو و مناظره کند. در گام دوم اگر معتقد به خدا بودند به مباحله و داوری حق تعالی روی می آوردند. در نهایت اگر راضی به آن هم نمی شدند با آنان پیمان می بستند تا جزیه بپردازند و در امنیت زندگی کنند.

از کارکردهای دیگر داستان مباحله، نمایاندن و اثبات فضیلت و برتری اهل بیت(ع) بر سایر مسلمانان و اصحاب خودش بود. لذا اهل بیت(ع) در موارد فراوانی در برابر دشمنان و مخالفان خود به داستان و حادثه مباحله جدشان رسول خدا(ص) با مسیحیان استناد می کردند. نقل شده است که روزی معاویه به سعد بن ابی وقاص گفت: تو چرا در منابر به علی بن ابی طالب دشنام نمی دهی؟ در حالی که دستور داده ام در همه مساجد این کار رواج داشته باشد. سعد ابی وقاص که از مخالفان امام(ع) بود گفت چند چیز است که اجازه نمی دهد من این کار را بکنم ولو اینکه شتران سرخ مو به من بدهند؛ اول اینکه در جنگ تبوک، پیامبر(ص) علی بن ابی طالب(ع) را به جای خود در مدینه قرار داد. علی(ع) را برای خود به مثابه هاورن برای موسی قلمداد کرد و این نشانه جایگاه علی بن ابی طالب(ع) است.

مورد دیگر اینکه من در جنگ خیبر بودم و دیدم که مسلمانان دچار سختی در نبرد شدند و پیامبر(ص) فرمودند: من پرچم اسلام را به دست فردی خواهم داد که دشمن را شکست خواهد داد؛ صحابه هم منتظر بودند که این فرد کیست؟ پیامبر(ص) در حالی که علی(ع) بیماری چشم درد داشت او را فراخواندند و آب دهان مبارک خود را به چشم علی(ع) کشیدند و بیماری چشم ایشان خوب شد و پرچم را به دست علی(ع) دادند و سوم هم ماجرای مباحله را تعریف کرد و گفت بعد از این ماجرا پیامبر(ص) فرمود: «اللهم هؤلاء اهلی»؛ این ها اهل بیت من هستند که قرآن درباره آنان آیه تطهیر (سوره احزاب / ۳۳) را نازل فرمود.

در عصر و روزگار ما که بیش از ۱۴۰۰ سال از اسلام می گذرد اگر نگاهی به وضعیت جهان و مسلمانان بیندازیم خواهیم دید مسیحیان در اکثریت هستند؛ مسلمانان هم بیشتر اهل سنت هستند؛ اگر ما شیعیان و پیروان اهل بیت(ع) که در اقلیت هستیم و اعتقاد عمیق به قرآن و روایات داریم نباید هیچ شک و شبهه ای به خود راه دهیم؛ اگر شبهات فراوانی از سوی دشمنان و مخالفان و مذاهب دیگر ما مطرح می شود محکم بایستیم و از مذهب خود دفاع کنیم. اگر آنان به پیامبر(ص) و قرآن جسارت کرده و اسلام هراسی راه می اندازند نباید خوف و هراس به خود راه دهیم و باید با اعتقاد جازم و قوی از اسلام و پیامبر(ص) دفاع کنیم.

مباحله می تواند مسیری را برای بحث و دیالوگ با غیرمسلمین از جمله مسیحیان برای ما باز کند که الان هم در جمهوری اسلامی گفت و گو بین پیروان ادیان مختلف برقرار است و گفت و گوهای بین ادیانی از جمله با دانشمندان ادیان مختلف اروپایی در آلمان، روسیه، ایتالیا و کشورهای دیگر برقرار است و این گفت و گوها می تواند حقانیت پیامبر(ص) و اسلام را برای دیگران روشن کند و نتایجی هم داشته است؛ از جمله مسیحیانی داریم که کتاب نوشتند و به حقانیت اسلام معترف شدند که از جمله می توان به جرج جرداق، سلیمان کنانی و ... اشاره کرد.

ایکنا - دلالت ها و نکات آیه مباحله چیست؟

یکی از دلالت های آیه مباحله همان تاکید بر بزرگی شخصیت و جایگاه حضرت علی(ع) است. در آیات مرتبط با این بحث فرموده است: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُن فَيَكُونُ، الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُن مِنَ الْمُمْتَرِينَ، فَمَنْ حَاجَّكَ

فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ قُلُّ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ تَبَوَّلُوا لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ، إِنَّ هٰذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ» (سوره آل عمران / ۵۹-۶۳). یعنی این ماجرا حق است و اگر داستان مباحله را نپذیرید جزء مفسدین هستید و خداوند به مفسدین آگاه است. یعنی داستان مباحله غیرقابل کتمان و انکار است. نمونه های فراوان دیگری هم داریم که افرادی خواسته اند به ماجرای مباحله دست درازی کرده و آن را مخدوش کنند؛ مثلا برخی خواسته اند حفصه و عایشه را هم جزء زنانی بدانند که در ماجرای مباحله حضور داشته اند ولی هرگز موفق نشدند. لذا «نساءنا» در آیه مورد بحث براساس روایات صحیح فقط یگانه دخت پیامبر اکرم(ص) حضرت فاطمه زهرا(س) است.

موضوع امامت و ولایت علی(ع) هم از دلالت های این آیه شریفه است که نمی توان آن را انکار کرد زیرا نص آیه، حضرت علی(ع) را نفس پیامبر(ص) معرفی کرده است؛ البته مخالفان و دشمنان اهل بیت(ع) مناقشاتی بر دلالات این آیه داشته اند. از جمله اشکال ابن تیمیه یا مناقشه ابوحیان اندلسی براساس تفسیر زمخشری که هیچکدام موفق نبوده اند؛ قاضی جرجانی هم تلاش های ناکارآمدی در تفسیر این آیه داشته اند که باز موفقیت آمیز نبوده است؛ فخررازی هم بحثی در ذیل آیه دارد. مولوی عبدالحمید دهلوی و شیخ محمدعبده هم خواسته اند مناقشاتی به مصادیق آیه وارد کنند که در مجموع قابل پذیرش و توجه نیست. علاقه مندان می توانند با مراجعه به کتب تاریخی، تفسیری و حدیثی آنها را مطالعه کنند و البته علمای شیعه پاسخ مستدل و قاطعی به همه این سخنان داده اند.

گفت وگو از علی فرج زاده